

نیروهای اردنی و مصری در لشکرهای عراق روایت احمد رضا مختاری در منطقه عملیاتی والفجر ۸

تهیه و تنظیم: عقیل انبارداران*

شناسنامه روایت	
	الف) مشخصات راوی نام و نام خانوادگی: احمد رضا مختاری از رزمندگان سابق تیپ ۲۳ انصارالحسین ^(ع)
	ب) زمان و مکان روایتگری شنبه، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ ساحل اروندرود
	ج) مشخصات کاروان کاروان ناحیه بسیج الغدیر لواسانات تهران تعداد افراد کاروان: تقریباً ۳۰۰ نفر

مقدمه

زیرا اولاً محوطه سیمانی دارد و مانند بقیه نقاط یادمان خاکی نیست و ثانیاً اشراف مناسبی به رودخانه و شهر فاو دارد. راوی همراه کاروان، از رزمندگان سابق تیپ ۳۲ انصارالحسین^(ع) حاضر در عملیات والفجر ۸، است. و حدود ۵۰ سال سن دارد. راوی صحبت‌های خود را مستند به حضورش در عملیات والفجر ۸ می‌کند. در ابتدا او لشکر ۲۵ کربلا را آغازگر عملیات می‌داند، سپس توضیحاتی در مورد سنگرهای عراقی و عدم باور دشمن به اینکه محور فاو منطقه عملیاتی باشد، بیان می‌کند و نحوه استقرار لشکرهای گارد عراق در شب ۲۲

کاروان از ناحیه بسیج الغدیر لواسانات اعزام گردیده است و طبق اظهارات مسئول کاروان، کل اعضای کاروان ۳۰۰ نفر می‌باشند. با توجه به اینکه در ساعات اولیه روز هستیم، یادمان خلوت است. افراد کاروان اکثراً زنان و مردان مسن هستند و از چهره‌شان مشخص است که مردم کوچه و بازاری‌اند و تعلق به گروه یا صنف خاصی ندارند. افراد کاروان در محوطه سیمانی ساحل اروند که برای روایتگری آماده شده، تجمع کرده‌اند. این نقطه، بهترین نقطه روایتگری در یادمان است؛

* کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال سیزدهم □ شماره پنجاه و سوم □ تابستان ۱۳۹۴

هیچ چاره‌ای نداشتند جز اینکه از بغل آن تیر برق رد شوند و هرکسی هم رد می‌شد، تیرباران می‌شد؛ یعنی این‌طوری نبود که درست است که ظاهرش این بود که فتح فاو انجام شد، ایران هم موفق شد، اما خسارت خیلی سنگینی ما این عملیات داشتیم؛ وقتی ما وارد سنگرها شدیم، [در] بعضی سنگرها، خب جنازه‌های عراقی، [بود و] مدارکی که در جیبشان بود، [نشان می‌داد در بین آنها] حتی اردنی، مصری زیاد بود. اردنی مخصوصاً داخل جیبشان که مدارکشان را نگاه می‌کردیم، می‌دیدیم که خیلی از این افرادی که اینجا ساکن بودند کنار این اروند رود، اینها بیشترشان اردنی بودند. عراقی هم بودند، خب اردنی هم بود، مصری هم بود و کشورهای دیگر هم بودند. به هر صورت، خط شکسته شد و فاو فتح شد و می‌رفت که دومین شهر عراق به نام ام‌القصر سقوط کند که گارد ریاست‌جمهوری عراق و گاردهای ویژه‌اش وارد عمل شدند. شب ۲۲ بهمن، دیگر داخل همان پاسگاه زید، بچه‌های ایران ماندگار شدند و من و دو نفر دیگر از دوستانمان که مشغول درگیری بودیم و اینها، متوجه نشدیم که مأموریتمان تمام شده باید برگردیم. البته ناگفته نماند ما ۱۰۰ نفر بودیم که رفتیم، تقریباً یک گردان، تنها نزدیک ۲۰ نفر برگشتیم. حالا وقتی برگشتیم خیلی خسته بودیم. احساس کردیم که یک خستگی بگیریم که شب خوابیدیم. حالا یک مطلب من یادم رفت؛ وقتی که به جاده ام‌القصر رفتیم عراق، سه نفر ماندیم، یک دفعه اطرافمان را نگاه کردیم، دیدیم همه محاصره شدیم، یعنی لب جاده، آن طرف جاده عراقی‌ها بودند، استحکامات عراقی بود، این طرفش جزیره بود و آب بود، ما هیچ چاره‌ای نداشتیم جز اینکه از همین جاده جلو برویم، وقتی که دیدیم در محاصره هستیم، یکی از بچه‌ها گفت همین الان اسیر بشویم، من پیشنهادم این بود که [اگر] الان اسیر بشویم، احتمال اینکه ما را به اصطلاح بکشند صددرصد است. چون یک شهر سقوط کرده، دومین شهر هم می‌خواهد سقوط کند، من پیشنهادم این بود که بین این جنازه‌های ایرانی و عراقی که روی

بهمن را شرح می‌دهد. وی در ادامه با اشاره به قفل شدن عملیات درباره ادامه عملیات در منطقه فاو و درگیری با گارد ریاست‌جمهوری و گاردهای ویژه عراق توضیح می‌دهد. حضور افراد اردنی و مصری در بین نیروهای عراق از دیگر موضوعاتی است که راوی به آن می‌پردازد. در پایان، خاطره‌ای از محاصره شدن خود و دو نفر از دوستانش در پاسگاه زید در جاده ام‌القصر را بیان می‌کند و چگونگی رهایی از این وضعیت و خارج شدن از فهرست مفقودان تیپ را شرح می‌دهد.

متن روایت

«خدا توفیقی داد و در عملیات والفجر ۸ بنده اینجا بودم. عملیات والفجر ۸، در ۲۱ بهمن ۱۳۶۴ توسط بچه‌های ۲۵ کربلای مازندران استارتش زده شد و خط شکسته شد. خوشبختانه، وقتی که بعد از شب ۲۲ بهمن ما وارد شدیم، با دستگاه‌های هاورکرافت سوار شدیم و در را بستند و ما را آن طرف نزدیک همین مسجد فاو پیاده کردند. وقتی که در آن شب ما داخل سنگرها رفتیم، در سنگرها فقط چیزی که می‌دیدیم، البسه زنانه، بچه‌گانه و کودکانه بود، این بیانگر این بود که فرماندهان عراقی اصلاً فکر نمی‌کردند آمده‌اند یک خط مرزی و یک خط جنگی. احساس می‌کردند این جوری؛ یعنی آن بقایایی که در سنگرها بود احساس می‌کردند اینجا یک منطقه شمالی است و آمده‌اند تفریح. چون شکل زندگی، وسایلی که داخل سنگرشان بودند، این را بالاخره بیان می‌کرد، بعد وقتی که عملیات شد - همه اساتید اینجا مجرب‌اند، بالاخره رزمنده‌اند، من جسارت می‌کنم خدمت همه شماها - وقتی که عملیات در منطقه شروع می‌شود، گرفتن آن منطقه شاید یک مقدار آسان‌تر باشد تا اینکه این منطقه را بتوانی نگه داری؛ که شب ۲۲ بهمن، گارد ریاست‌جمهوری صدام حسین آمد داخل این خط؛ یعنی فرماندهانمان به ما می‌گفتند که چیزی نیست، مأموریت شما، ولی وقتی که رفتیم به سمت جاده؛ از فاو که رد می‌شویم، یک جاده‌ای دارد به نام ام‌القصر، آنجا یک پاسگاه زیدی است که یک تیر برقی آنجا بود، بچه‌ها



روایت احمدرضا مختاری در یادمان اروندرود-اسفند ۱۳۹۳

گردیده^(۱) و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) نیز به آن اضافه شده است^(۲) علاوه بر این، کلیه یگان‌های حاضر به‌طور هم‌زمان عملیات را آغاز کرده‌اند.

۲. راوی اشاره به «سوار شدن بر دستگاه هاور کرافت در عملیات والفجر ۸» دارد. طبق تحقیق گزارشگر از منابع مختلف، هیچ منبعی از به‌کارگیری دستگاه هاور کرافت برای جابه‌جایی نیرو در اروندرود خبر نداده و از این دستگاه برای مناطق هور استفاده شده است. شاید راوی در هور هم حضور داشته و در آن محل سوار هاور کرافت شده که با این عملیات آن را اشتباه گرفته است.

۳. راوی با استناد به وسایلی که در سنگرهای عراقی‌ها پیدا شده بود، می‌گوید: «فرماندهان عراقی اصلاً فکر نمی‌کردند آمده‌اند یک خط مرزی و یک خط جنگی... احساس می‌کردند اینجا یک منطقه شمالی است و آمده‌اند تفریح.»

این در حالی است که در منابع آمده است: در منطقه شرق اروندرود به‌خصوص از آذر سال ۱۳۶۴ به بعد، اقدامات مهندسی ایران افزایش یافته بود و دشمن نیز به این اقدامات آگاه بود، اما فرماندهان عراقی حمله احتمالی رزمندگان اسلام را از محور فاو فریب دانسته و

آنجا بودند بخوابیم، خودمان را مخفی کنیم، بعد که صبح شد، اسیر بشویم که احتمال اینکه ۵ درصد زنده بمانیم بیشتر است، به‌هر صورت، بعداً متوجه شدیم که یکی از گروهان‌های ما عمل نکرده، یک گروهان شهید دستغیب بود که آنها وارد عمل شدند، پشت سر ما را خالی کردند و ما به این شکل از محاصره بعضی‌ها درآمدیم و به بچه‌های خودمان پیوستیم که حالا اسم ما را هم داده بودند جزء مفقودالاسرا؛ که سریع رفتیم به تعاون خبر دادیم.»

نقد و بررسی روایت

الف) کنکاش در بیان روایت راوی

۱. راوی در مورد زمان آغاز عملیات والفجر ۸ می‌گوید: «عملیات والفجر ۸، در ۲۱ بهمن ۱۳۶۴ توسط بچه‌های ۲۵ کربلای مازندران استارتش زده شد.» مطابق گزارش دکتر حسین اردستانی (راوی حاضر در سنگر فرماندهی کل سپاه) از عملیات والفجر ۸، این عملیات در روز ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ ساعت ۱۰:۱۰ شب آغاز شده و مأموریت اجرای مرحله اول به لشکرهای سپاه پاسداران شامل ۷ ولی عصر^(عج)، ۵ نصر، ۴۱ ثارالله، ۳۱ عاشورا، ۲۵ کربلا و تیپ‌های ۴۴ قمر بنی‌هاشم^(ع) و ۳۳ المهدی^(ع) واگذار

کردم. او به من گفت در حال بررسی موانع عراقی‌ها در منطقه بوده است و این نشانه‌ای مبنی بر قصد حمله ایرانیان به این منطقه بود. شناسایی‌های هوایی که با جنگنده‌های میگ ۲۵ انجام شد نیز نشان می‌داد ایرانیان در آن سوی شط‌العرب [اروندرو] در نقطه مقابل فاو مشغول عملیات مهندسی هستند. تعداد زیادی توپ، قایق و پل‌های شناور در آنجا مشاهده می‌کردیم که قصد ایرانیان را برای حمله تأیید می‌کرد. ... در گزارش‌هایمان اشاره کردیم که ایرانیان قصد دارند به فاو حمله کنند، اما ژنرال محمود شاهین نمی‌خواست این گزارش‌ها را برای رده‌های بالاتر ارسال نماید. ... ولی ما که مصمم بودیم از فاو دفاع کنیم، اجازه ندادیم او نیروها را از فاو خارج کند. از سوی دیگر، قرار بود از نیروهای مستقر در فاو پشتیبانی کنیم و برای این کار لازم بود ژنرال ذنون (رئیس ستاد ارتش عراق) حتی نیروهای بیشتری از مناطق دیگر به این منطقه بیاورد»^(۴)

باتوجه به مطلب فوق، این مسئله که از نظر فرماندهان عراقی‌ها این منطقه کلاً منطقه جنگی محسوب نمی‌شد، اشتباه است و استناد به وسایل پیداشده در سنگرها نمی‌تواند دلیل این امر باشد.

علاوه بر هورالهوریزه، نسبت به حوزه عملیاتی سپاه هفتم (ام‌الرصاص تا فاو)، به منطقه ام‌الرصاص بیشتر توجه داشتند.^(۳)

سپهبد رعد مجید رشید حمدانی از فرماندهان گارد ریاست‌جمهوری عراق می‌گوید: «عملیات‌های شناسایی میدانی لازم را در مناطق تحت مسئولیت سپاه‌های ششم (هور) و هفتم (ام‌الرصاص تا فاو) انجام داده و فهمیده بودیم که دشمن در حال متمرکز کردن نیروهایش در منطقه سپاه هفتم (ام‌الرصاص تا فاو) است و آرایش نیروهای خط مقدم دشمن نیز نشان می‌داد که آنها قصد حمله به این منطقه را دارند، اما نیروهای اطلاعاتی اصرار داشتند حمله ایرانیان در منطقه سپاه ششم صورت می‌گیرد. فرماندهی نظامی جنگ هم براساس گزارش نیروهای اطلاعاتی همین اعتقاد را داشت و به سپهبد شوکت فرمانده سپاه هفتم، دستور داد به ژنرال سلطان هاشم فرمانده سپاه ششم، کمک کند.»

سرلشکر میسر رشید الطرفه العبیدی از فرماندهان اطلاعات فرماندهی کل در بخش ایران، می‌گوید: «یک ماه پیش از عملیات ایرانیان [والفجر ۸] یکی از نیروهای غواصان را دستگیر کردیم و خود من از او بازجویی



روایت احمدرضا مختاری در یادمان اروندرو-اسفند ۱۳۹۳

داشتند. همچنین ۲۱۳۵ نفر به اسارت درآمدند. تعداد زیادی وسایل مخابراتی، سلاح سبک، رادارهای مختلف و نیز سلاح‌های ضد هوایی در میان وسایل انهدامی دشمن و غنائم به دست آمده به چشم می‌خورد.^۷

۷. استفاده از عبارت «سایه‌انداختن هواپیماهای دشمن بر سر رزمندگان» در توصیف تردهای وسیع هواپیماهای عراقی نوعی بزرگ‌نمایی و قدرت نیروی هوایی عراق را تداعی می‌کند، درحالی‌که در روایت به نقش پدافند هوایی خودی و سرنگونی بیشترین

هواپیماهای عراق در این عملیات اشاره نشده است. دکتر اردستانی در گزارش عملیات والفجر ۸ خود آورده است: «توان موشکی و پوشش هوایی مناسب منطقه به‌طور قابل توجهی فعالیت نیروی هوایی عراق را محدود کرد. مهم‌تر از آن، به‌کارگیری تاکتیک جدید برای فریب هواپیماهای عراق به‌منظور جلوگیری از حمله به سایت‌های موشکی بود. به همین منظور، سایت هاگ با توان بسیار زیادی مورد استفاده قرار گرفت و از توپ‌های ضد هوایی نیز به‌شکل انبوه استفاده شد. به همین دلیل، انهدام نیرو در عملیات

والفجر ۸، در طول جنگ بی‌سابقه بود. طبق اسناد معتبر، ۴۵ تا ۴۷ فروند از هواپیماهای عراقی در این عملیات سرنگون شدند و احتمالاً تعداد دیگری نیز آسیب دیدند که توانستند خود را به‌داخل عراق برسانند.»^(۸)

۸. راوی می‌گوید: «من به‌همراه دو دوست دیگر متوجه نشدیم که ما موریتیمان تمام شده و باید برگردیم.» این گفتار، بی‌نظمی واحدهای رزمی ایرانی را در ذهن مخاطبان القا می‌کند که با هدف روایتگری تناقض دارد. ۹. راوی اظهار می‌کند: «گردان ۱۰۰ نفره ما ۲۰ نفر

۴. راوی بیان می‌کند: «باوجود ورود گارد ریاست جمهوری، فرماندهان به نیروها توجیه کردند که چیز خاصی نیست و جهت تصرف بندر ام‌القصر باید حرکت داده شوند.» این مطلب توجیه‌نبودن و عدم عقلانیت فرماندهان در جنگ یا فریب‌کاری آنان در برخورد با نیروها و کوچک‌شمردن دشمن، آن‌هم گارد ریاست جمهوری عراق از سوی فرماندهان خودی را تداعی می‌کند، درحالی‌که تصرف ام‌القصر جزء اهداف عملیات نبوده است و درواقع رسیدن به کارخانه نمک روی جاده ام‌القصر کاری است که باید انجام می‌شد.

۵. راوی اشاره‌ای به "پاسگاه زید در فاو و قفل شدن عملیات در آن نقطه" دارد. طبق تحقیق گزارشگر، در جاده ام‌القصر عراق، پاسگاه زید وجود ندارد، پاسگاه زید عراق روبه‌روی ایستگاه نود نزدیک ایستگاه حسینییه در جاده اهواز - خرمشهر است. شاید منظور راوی از پاسگاه زید عراق در جاده ام‌القصر، همان کارخانه نمک فاو باشد که هم بیشترین درگیری‌ها در آن نقطه وجود داشته و هم ضلع غربی آن در کنار جاده ام‌القصر قرار گرفته است.

۶. راوی در قسمتی از صحبت‌هایش می‌گوید: «ما [منظور ایران] خیلی خسارت سنگینی در این عملیات داشتیم.» شاید از دید این رزمنده یا واحد این رزمنده خسارت زیادی به نیروهای خودی وارد شده باشد، ولی راویان باید وضعیت کلی عملیات و خسارات دو طرف را بیان کنند. در نتیجه‌گیری از جزء به کل رسیدن، صحیح نیست.

این عملیات، جزء موفق‌ترین عملیات‌های ایران محسوب می‌شود، در بخش مربوط به نتایج عملیات در گزارش راوی حاضر در عملیات آمده است: «در عملیات والفجر ۸، دو عامل تأثیرگذار بر موازنه جنگ؛ یعنی تصرف زمین راهبردی و انهدام دشمن به میزان قابل ملاحظه‌ای به نفع جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت. علاوه‌براین، در جریان عملیات، دشمن بیش از ۵۰۰۰۰ کشته یا زخمی داشت که در میان آنها یک فرمانده لشکر و ۵ فرمانده تیپ و تعداد زیادی از افسران ارشد و جزء وجود

استفاده از عبارت «سایه‌انداختن هواپیماهای دشمن بر سر رزمندگان» در توصیف تردهای وسیع هواپیماهای عراقی نوعی بزرگ‌نمایی و قدرت نیروی هوایی عراق را تداعی می‌کند، درحالی‌که در روایت به نقش پدافند هوایی خودی و سرنگونی بیشترین هواپیماهای عراق در این عملیات اشاره نشده است.

جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی در حمله به ام‌القصر محسوس است.

• عملیات والفجر ۸ بزرگ‌ترین عملیات فریب در طول جنگ است، به گونه‌ای که شگفتی کارشناسان نظامی خارجی را برانگیخته است، ولی راوی به شیوه غافلگیری دشمن، عقلانیت روش جنگ، شناسایی‌ها، تمرینات آمادگی رزم و... اشاره نکرده است.

• یکی از نکات برجسته و مهم عملیات والفجر ۸، انتخاب ساعت عملیات و عبور غواصان از موانع عراق است که در روایت مذکور هیچ اشاره‌ای به آن شده است. • جغرافیای منطقه، علت انتخاب منطقه، فعالیت‌های مهندسی، توپخانه، تلفات دو طرف، دستاوردهای عملیات و... موضوعات درخور توجهی است که به هیچ‌یک از آنها پرداخته نشده است.

نقطه مثبت این روایت درک مخاطب از سختی جنگ و حمایت‌های همه‌جانبه کشورهای عربی از عراق در جنگ است که راوی در خلال صحبت‌های خود به آن اشاره می‌کند. البته این نقاط مثبت به قدری ناچیز است که ضرر این روایتگری بیش از سود آن برای مخاطبان است.

منابع و مأخذ:

۱. اردستانی، حسین. "تعیین‌کنندگی عملیات والفجر ۸ و به‌هم‌خوردن موازنه به نفع ایران" فصلنامه نگین ایران، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۳.
۲. روایت دکتر حسین اردستانی از عملیات والفجر ۸ در منطقه اروند، زمستان ۱۳۹۳.
۳. اردستانی، حسین، پیشین، ص ۱۳.
۴. کوین ام‌وودز و سایرین. فرماندهان صدام، ترجمه عبدالمجید حیدری، تهران؛ انتشارات مرزوبوم، ۱۳۹۳.
۵. اردستانی، حسین، پیشین، ص ۱۷.
۶. همان، ص ۲۰.
۷. همان، ص ۲۰.
۸. دری، حسن، کارنامه نبردهای زمینی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱.

بازگشتیم» اولاً تعداد افراد گردان معمولاً بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر است، البته شاید منظور راوی از گردان، گروهان بوده است. ثانیاً هیچ نکته خاصی در تبیین حماسه آوینی، روحیه شهادت‌طلبی، مقاومت، و دلاوری این ۸۰ شهید ذکر نمی‌شود.

۱۰. راوی خاطره "محاصره‌شدن خود" را طوری طرح می‌کند که کسی متوجه نمی‌شود چگونه در محاصره قرار گرفتند و بسیار ساده از تصمیم دوستانش برای اسیرشدن صحبت می‌کند، درحالی‌که بهتر بود ضمن داشتن صداقت، ابتدا انگیزه خود و اوضاع سخت و دشوار منطقه را شرح می‌داد و سپس تصمیم به اسارت خود را بیان می‌کرد.

ب) نقد و بررسی کلی روایت نقاط ضعف روایت

• راوی به دلیل نداشتن فن بیان قادر به هدف‌گذاری در نقل روایت خویش نمی‌باشد. وی در بهترین نقطه یادمان با میکروفون به خاطره‌گویی پرداخته است. هرچند از ۳۰۰ نفر اعضای کاروان، ۳۰ نفر جمع شده‌اند و مابقی درحال تجمع هستند، اما همین افراد هم با ابهامات فراوان و بدبینی‌هایی درباره جنگ روبه‌رو خواهند شد، ضمن اینکه سایر افرادی که از آن محل عبور می‌کنند هم با شنیدن بعضی از این مطالب ممکن است با ابهامات بسیاری مواجه شوند.

- روایتگری این راوی ارجمند، نه تنها تداعی‌گر حماسه، شجاعت، شهادت‌طلبی رزمندگان و تدبیر و عقلانیت فرماندهان در جنگ نمی‌باشد، بلکه از نظر گزارشگر، از این روایت وضعیت سخت جنگ و بی‌برنامگی رزمندگان در حمله به مناطق عراق برداشت می‌شود.

- روایت راوی حاکی از آن است که وی مطالعاتی درباره منطقه نبرد نداشته و از کلیت نبرد فاو بی‌خبر است و روایت خود را فقط به مشاهدات شخصی مستند کرده است، بی‌آنکه مطلبی از دیگران نقل کند.

• روایت طوری بیان شده که قدرت و اراده عراق در